

# زندگی اجتماعی و فرهنگی قزاقها

عندرا اینچندر گاهی

پروفیسر، گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شکاره علوم انسانی و مطالعات فرسنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

زندگی اجتماعی قزاقها به صورت سنتی است و در رابطه با جماعت غیر قزاق، محیطی بسته دارند. ایجاد روابط خانوادگی با غیر قزاق تقریباً یک درصد و یا هیچ به حساب می‌آید. اما در روابط درونی با یکدیگر همدل یا اصطلاحاً «باوئرمال» هستند، همچنین معتقدند که سفره قزاقها تقسیم نشده است و همه در مال یکدیگر شریک هستند، همانطوری که در شادی و غم یکدیگر سهیم هستند. قزاقها در عروسی و عزای یکدیگر تماماً شرکت می‌کنند. در دعوت به مراسم، بین قزاقها هیچ استثنایی وجود ندارد. درباره اخلاق، خصوصیت فردی و ارتباطات اجتماعی و به طور کلی تضادها و پیوندهای آنان با جامعه غیر باید گفت که طی سالیان کار و کوشش، آنچه که باعث تمجید و حمایت همشهریان بومی گران از قزاقهاست، راستگویی و فعال بودن ایشان است. سخت‌کوش، صادق و متکی به کار خویش هستند.

در مورد زندگی فرهنگی قزاقها باید گفت که از حدود سالهای ۴۰ (پس از اینکه تبعه دولت ایران شدند)، تحصیل بین

جوانان رایج شد. البته به خاطر مسائل خاص، این امر در بین پسران بیشتر از دختران رواج داشت. امروزه اکثریت قشر جوان تحصیل کرده هستند. در مورد تحصیل دختران باید گفت که اولین دیپلمه دختر در سال ۱۳۵۶ فارغ التحصیل شد و در سالهای ۱۳۵۴ اولین فارغ التحصیلان از دانشگاهها فارغ التحصیل شدند. اکثریت زنان بالای ۳۰ سال در حال حاضر بی سواد یا کم سوادند، ولی زیر ۳۰ سال تعدادی فارغ التحصیل دانشگاهی و تعداد زیادی (هم طراز مردان) دختران تحصیل کرده وجود دارد.

یکی دیگر از خصوصیات زندگی اجتماعی قزاقها در مورد ازدواج با غیر قزاق است که این عمل را نکوهیده می دانند. معمولاً ازدواجها بین فامیلهای قزاق صورت می گیرد، ازدواج با فامیل پدری نزدیک مثل پسر عمو را مناسب نمی دانند و هرگز با هم ازدواج نمی کنند، اما با فامیل مادری مثلاً پسر خاله یا دختر خاله ازدواج می کنند. در موارد بسیار نادر - چیزی حدود یک درصد - در صورت ازدواج با غیر قزاق، فقط دختر غیر قزاق را می پذیرند که با پسرشان ازدواج کند. در غیر این صورت تاکنون اصلاً سابقه نداشته که یک دختر قزاق با غیر قزاق ازدواج کند. یک یا دو درصد از کل جمعیت دختر قزاق با غیر قزاق دورگه (پدر قزاق مادر غیر قزاق) ازدواج کرده است که این امر با مخالفتهای فراوان از جانب خانواده ها (مخصوصاً خانواده دختر) مواجه گشته است.

### حماسه ها و اشعار فولکلوریک قزاقها

«آبای» شاعر و دانشمند فرزانه قزاق می سراید:

دنیا دریاچه‌ای بزرگ است  
 و زمان بادی توفنده  
 امواج پیشین برادر بزرگانند  
 و امواج پسین برادران کوچک  
 به نوبت می‌میرند  
 و باز پدیدار می‌شوند.

استعداد و قابلیت شاعرانه مردم قزاق در زندگی، نوع خاصی از شاعران را به وجود آورده است. این شاعر همان سراینده و آوازه‌خوان و بدیهه‌پردازی است که تاکنون به کار خود ادامه داده و گنجینه‌های شعری پیشین را در سینه خود حفظ نموده است.

ضرب‌المثل قزاقی می‌گوید: «مادر راه، رد پاست و مادر سخن، شنیده‌های گوش.» شاعر فقط در نزد خود شعر نمی‌سرود، بلکه به همه سروده‌ها و اشعار دختران و پسران، پیران و جوانان در شب‌نشینیها، جدائیها و عزاها گوش می‌سپرد و به همراه سروده‌های خود اشعاری را که از توده مردم می‌شنید، بیان می‌کرد. اشعار و سروده‌هایی که سراینده آنها ناشناس بود، بدین سان، از این گوشه صحرا توسط «ان‌شه»<sup>۲</sup>ها و «چرشه»<sup>۳</sup>های گمنام به کرانه بیابانها برده می‌شد و این راز بقای آنان در طی قرون بود و «دومبرا»<sup>۴</sup> شاهد همه اینها.

احتمالا گردآوری و تألیف اشعار و ابیاتی که در میان مردم در رابطه با وداع و رثای يك دلاور انتشار داشته، توسط يك شاعر، موجب بوجود آمدن اولین داستانهای حماسی شده است، و در نقل قولها از نسلی به نسل دیگر این حماسه‌ها و ماجراها گسترده‌تر گشته است. مردم برخی از نسخه‌ها را

که توسط شاعران خوانده می‌شد قبول می‌کردند و به این ترتیب نسخه‌ای ثابت و پایدار شکل می‌گرفت و از آن پس همه شاعران و آوازگران آن را یکسان به غنا می‌خوانند.

حماسه‌ها و اشعار فولکلوریک قزاق از لحاظ فرم به گونه‌های فراوانی تقسیم می‌شود. قزاقها در ارتباط با ولادت ازدواج، شادی، غم کشاکش‌های زندگی، مرگ و آداب و رسوم گوناگون، شعرهایی سروده و این هنر را شریک روحانی زندگانی خود نموده‌اند. حماسه‌ها و اشعار فولکلوریک مردم قزاق به بخشهای اصلی زیر تقسیم می‌گردد:

### ۱- انواع کوتاه اشعار فولکلوریک:

- الف: ترانه‌های مربوط به مراسم ازدواج  
 — جار جار یار یار. Жар-Жар  
 — بت‌آشار بازکردن چهره عروس. Bet awap  
 — توی‌باستار شروع عروسی. Toū Bactap  
 ب: سکسو شعرهای وداع یا تسلیت. cbithey  
 ج: قصه، افسانه، ضرب‌المثلها، معماها.

### ۲- حکایات شامل:

- الف: حکایات عجایب و غرایب.  
 ب: حکایات راجع به حیوانات.  
 ج: حکایات راجع به آداب و رسوم.  
 د: حکایات مخصوص کودکان.  
 ذ: حکایات مربوط به موسیقی.

### ۳- منظومه‌های رزمی:

مانند: قوئیلاندی KobbiLaHgbi

۵۰ / تارعین ЭРТАРҒЫН

۵ / سائین ЭР-САҰЫН

#### ۴- منظومه‌های عاشقانه مانند:

قوزی کورپه‌ش Қозы Корпеш

بایان سولو БАҰЯН СҮЛУ

قز جیبه‌کت ҚЫЗ ЖЫБЕК

#### ۵- منظومه‌های تاریخی

#### ۶- مشاعرها

### سرودها و ترانه‌های مربوط به مراسم ازدواج

از جمله ترانه‌هایی که در ارتباط با آداب و رسوم ازدواج قوم قزاق در حد بسیار وسیعی رواج یافته «توی باستار»، «جارچار»، «به‌ت‌آشار»، «سکسو» است. البته ترانه‌های مربوط به مراسم ازدواج قزاقی علاوه بر مراسم عروسی در شب‌نشینیها و جشنها نیز اجرا می‌گردد. مخصوصاً «بت‌آشار» و «جارچار» به صورت طنز خوانده می‌شوند. در این نوع ترانه‌ها، برای همسران جوان آرزو و دعای خیر، تشبیهات آمیخته با شوخی، اشارات و کنایات استادانه گنجانیده می‌شود. همچنین به نوعروس و نامزد جوان توصیه می‌شود که موقع وداع با اقوام نسبی خود زیاد گریه و زاری نکنند.<sup>۵</sup> برخلاف بقیه ترانه‌های عرفی قزاقها، «به‌ت‌آشار» و «جارچار» دارای متن ثابتی است و هر جا که دختری را شوهر می‌دهند یا عروسی می‌آورند، بایستی خوانده شود. اینها را افراد غیر شاعر نیز می‌توانند بیان کنند.

اما فقط در مواقعی که عروس و داماد با عشق و علاقه ازدواج کرده باشند، «بهت‌آشار» و «جار-جار» با آهنگی شادمانه و مسرت‌بخش اجرا می‌گردد. در غیر اینصورت، در صورت تحمیلی بودن ازدواج، ترانه‌های مربوط به مراسم ازدواج دارای حال و هوای دیگری است. در چنین شرایطی این ترانه‌ها دارای مایه‌های غم‌زده و حسرت‌آلود و اشعاری حاکی از درد و اندوه جوانان و سرنوشت تلخ و مخالفتهای آنان می‌شود. بدین سان، ترانه‌های «جار-جار» و «بهت‌آشار» را صرفنظر از قالب عادی و رسمی آن، جوانان و بخصوص خود نوعروس فی‌البداهه می‌سرایند و اجرا می‌کنند. در مشارکت با غم و اندوه وی، دختران همقطارش نیز با او هم‌آواز می‌گردند.

ترانه‌های «جار-جار» و «سکسو» در ارتباط با خواست‌ها و تقدیر نامزدها، خصوصیات مشخصی پیدا می‌کند. ترانه‌هاییکه ممکن است فی‌البداهه سروده شوند در جمع توسط افراد با ذوق و با همکاری مردم سروده می‌شوند. بدین ترتیب سرودهای مربوط به ازدواج گاهی می‌تواند سبب شکوفا شدن استعدادهای خفته نسل جوان گردد.

### محتوا و مفهوم «جار-جار»:

جار جار یعنی یار-یار، که هنگام بدرقه دختر به خانه شوهر در جمع خویشاوندان نسبی و در حضور داماد برای توجه به نیازهای آتی عروس، چنین آوازهای عرفی خوانده می‌شود و ترجیع‌بند یار - یار در آخر هر مصرع آن تکرار می‌گردد. این ترانه ضمن ایجاد اطمینان به اینکه داماد باعث احساس غربت و دلتنگی عروس نخواهد شد به عروس نیز



وابستگی زندگانی و اندیشه‌هایش به داماد را گوشزد می‌کند. این شعر را دو گروه دختران و پسران جوان به نوبت و دسته-جمعی می‌خوانند. به آواز دسته‌جمعی پسران جوان که دارای ریتم شادی است، گروه دختران با نوای غمزده‌ای پاسخ می‌دهند. ترانه معمولاً توسط اطرافیان داماد با یکی دو بیت شعر آغاز می‌شود، و هر دو طرف به صورت دسته‌جمعی ترجیع‌بند «چار چار» را تکرار می‌کنند.

در اجرا، «چار چار» بیشتر به نمایشنامه‌های روی‌صحنه تأثیر به‌شیوه گفت و شنود شباهت پیدا می‌کند. اگر در میان دختران و پسران جوان شاعران بدیمه‌سرایبی وجود داشته باشند، آنان با شروع ترانه، به نمایندگی از طرف عروس و داماد به مشاعره خواهند پرداخت. در چنین نوع کاملی از «چار چار»، عناصری از نمایش صحنه‌ای وجود دارد. در این سروده‌ها نماینده عروس (طرف دختر) به تشریح تقدیر نامطلوب و گریزناپذیر دختران می‌پردازد و حسرت‌ها و ناله‌های دختران و همچنین اعتراضات آنها را در قلب شعر بیان می‌کند. از سوی دیگر نویدهای زندگی نو، پندهای اخلاقی (معمولاً به عروس که باید اطاعت کند)، مژده اجاق روشن که از آن دختر و پسر جوان خواهد بود، و کودکانی که در کنار آن اجاق گرد خواهند آمد و... از جانب نماینده داماد (طرف پسر) به زبان شعر بیان می‌گردد. اینگونه بازیها و گفت و شنودهای شاعرانه، این ترانه را در نوع اصیل خود به اثری صحنه‌ای و دراماتیک تبدیل می‌کند. چه بسا بوده است که حضار با شنیدن این اشعار بسیار تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

هر بند «چار - چار» شامل مقایسه‌ای تخیلی است و

مصراع اول آن حاکی از مطالبی است که مستقیماً با همدیگر  
ارتباطی ندارند، اما معنای اصلی آن در بیت بعدی که دارای  
رابطه عمیق با احساسات گوینده است روشن می‌گردد.

یکی از نمونه‌های ترانه‌های «چار-چار»:

گروه پسران جوان:

اسب سیاهی آورده شده،

ای یار، یار

تاج سیاه مخملی، گیسوانت را می‌پوشاند

ای یار، یار

غصه مخور که پدرت اینجا مانده

ای یار، یار

عروس خوبی اگر باشی

ای یار، یار

پدر شوهرت چایش را پر خواهد کرد

ای یار، یار

گروه دختران جوان (پاسخ می‌دهند)

ای کاش جلوی درگاه خانه‌ام میدانی از آب بود

ای یار، یار

ای کاش آینه‌ای برای دیدن چهره‌ی زیبایم بود

ای یار، یار

اینان که می‌گویند پدر شوهر داری

ای یار، یار

مگر می‌تواند مثل پدر عزیزم باشد

ای یار، یار

همانطور که گفته شد این مشاعره می‌تواند ساعتها با

مضامین مختلف ادامه پیدا کند.

## پانویسها

- ۱- در زبان قزاقی به مراسمی که در شبهای جشن و عروسی برگزار می‌گردد «ویشن» oubih می‌گویند.
- ۲- «ان‌شه» ӘНШЕ به آوازه‌خوان قزاق که اشعار موت را با نوای دوتار می‌خواند گویند.
- ۳- «جرشه» ЖРШЕ به دوتارنواز قزاق گویند.
- ۴- دومیرا ΔOMBBIPIA یکی از معروفترین و رایج‌ترین سازهای قزاقی که دو تار دارد. انواع قدیمی آن ۱۴ پرده و نوع جدید آن ۱۸ پرده دارد.
- ۵- از آنجائیکه قوم قزاق دامدار و کوچنده بودند، بنابراین یک‌دختر با ازدواج ممکن بود دیگر نتواند خانواده‌اش را ببیند، بنابراین وداعهای تلخی در آن روزگار هنگام رفتن دختر از خانه پدر صورت می‌گرفت. که این رسم با نام سکسو، (وداع) از آن روزگار مانده که اکنون به صورت نمایش اجرا می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شکاره علوم انسانی و مطالعات فرسنگی  
پرتال جامع علوم انسانی